

تشویق مردم به آرامش به نفع کدام طبقه است؟

مبارزه ای که هم اکنون از جانب مردم ایران بر علیه رژیم دیکتاتوری - مذهبی حاکم اوج گرفته است ، مبارزه ای است کاملاً قانونی و بر طبق میثاقهای بین المللی دارای مشروعیت می باشد. نزدیک به هفت ماه است که مردم ایران بطور یکپارچه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران بپا خاسته و بطور دائم دست به اعتراض و تظاهرات می زنند. در تمام موارد تظاهر کنندگان توسط رژیم حاکم سرکوب شده اند و کلیه حقوق شهروندی آنها لگد مال شده است .

بر طبق قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی ایران ، مردم آزادند نقطه نظرهایشان را بیان کنند و در چارچوب همین قانون ، اعتراضات آنها به رسمیت شناخته شده است. در مقابل مردم و مبارزات اصولی آنان ، رژیمی قرار گرفته است که : به لحاظ سیاسی مشروعیت ندارد ، چرا که به جز ارتکاب جنایات بی شمار در سی سال گذشته ، در انتخابات خردادماه گذشته تقلب کرده و افکار عمومی داخل و خارج از ایران بر این واقعیت صحنه می گذارند. از لحاظ مذهبی هیچگونه مشروعیتی ندارد ، چرا که در روز عاشورا به مردم معترض تیراندازی کرده ، عده ای را به خاک و خون کشیده و چندین هزار نفر را دستگیر کرده و به زندان افکنده است.

از جنبه بین المللی هیچگونه صلاحیتی ندارد ، چرا که به خاطر زیر پا گذاشتن حقوق بشر و کشتار بیرحمانه مبارزین ایران تاکنون بیش از ۵۷ بار از جانب کمیسیون حقوق بشر و ملل متحد محکوم شده است.

این رژیم برای سرکوب میلیونها مردم آزادیخواه که دست به تظاهرات می زنند انواع وسایل سرکوب و شکنجه را مورد استفاده قرار می دهد. تجهیزاتی که بیشتر آنها از چین و بعضی از کشورهای اروپایی خریداری شده و هم اکنون در مراکز سرکوب رژیم بر علیه مبارزین ایران بکار گرفته می شوند. دستگیر شدگان که عموماً بخاطر ستم طبقاتی و استقرار یک نظام دمکراتیک دست به قیام زده اند ، در زندانهای رژیم به طور وحشیانه مورد شکنجه و حتی تجاوز جنسی قرار می گیرند.

قوای انتظامی و نیروهای مسلح کشور ، بر اساس ضوابط بین المللی بایستی با یونیفورم نظامی و نام و نشان معینی دستورات دولت را اجرا کنند. در حالیکه سالهاست عده ای اوباش بنام لباس شخصی ، بسیج و ده ها نهاد مشابه دیگر با اسلحه سرد و گرم و باتوم مبارزین ایران را دستگیر می کنند ، آنان را مورد شکنجه و تجاوز قرار می دهند و به دلخواه خود آنها را به قتل می رسانند. این امر با هیچ قانونی قابل تطبیق نمی باشد. خشونت لباس شخصی ها و نیروهای بسیج هنگام برخورد با مردم حدی نمی شناسد ، آنها خود را مجاز می دانند مخالف رژیم را دستگیر کنند و در خانه های امن به شکنجه آنها بپردازند. کلیه موارد ذکر شده و هزاران مورد غیر قابل انکار مشابه دیگر ثابت می کند ، رژیمی که در ایران حکومت می کند یک حکومت کاملاً دیکتاتوری است. از اینرو مبارزه تا سرنگونی این رژیم تبهکار و محو آثار شوم آن جزء لاینفک حقوق هر شهروند و مبارزی محسوب می شود و حق آنان است که بپا خیزند.

طی چند ماه گذشته بارها شنیده و دیده شده است ، آزادیخواهانی که بر علیه این رژیم دست به ستیز می زنند ، نه فقط از جانب مأمورین سرکوبگر رژیم ، بلکه از سوی بعضی جریانهای نظیر ملی - مذهبی ، متهم به « ساختارشکن » شده اند. آیا مردم ایران حق ندارند در برابر رژیمی که از هیچ جنایاتی فروگذار نیست شعار مرگ بر دیکتاتوری سر دهند؟ مگر آیت الله منتظری بارها اعلام نکرد : شعار دادن علیه شرک جرم نیست ، بلکه واجب است. اگر جماعتی خود را پای بند اصول و ضوابط مذهبی می دانند چرا به فتوای پیشوایان دینی خود عمل نمی کنند؟

طی دوماه گذشته که مبارزات سراسری مردم ایران شکل رادیکال تری به خود گرفته است ، عده ای پیدا شده اند که مردم را به آرامش دعوت می کنند. این حضرات که عموماً به جریانهای ملی - مذهبی تعلق دارند بمناسبت و بی مناسبت از جوانان و مبارزین داخل و خارج از ایران درخواست می کنند که در مقابل سرکوبگریهای رژیم کوتاه بیایند. دست به

تظاهرات نزنند و «بهانه به دست سرکوبگران» ندهند. عجباً! آیا این افراد مسلمان شعار مرگ بر دیکتاتوری را مطابق اصل «قیام بر علیه ظلم» ارزیابی نمی کنند؟ آیت الله منتظری که از هر لحاظ مورد تأیید این جماعت بوده است، ولایت فقیه را از مصادیق شرک دانست و صلاحیت خامنه ای را بعنوان ولی فقیه به سخره گرفت، آیا از دید این جریانات مردم حق ندارند شعار مرگ بر ولایت فقیه سر دهند؟

جریانات ملی - مذهبی که از ابتدای روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی ایران هیچگونه تعارض جدی بر علیه این رژیم نداشته اند، اکنون بیش از گذشته به فکر مصلحت اندیشی خود افتاده اند. این جریانات که نمی خواهند خود را بعنوان مخالف حرکت مردم معرفی کنند، اکنون در نقش مصلح اجتماعی، مردم را به تمکین از یک رژیم کاملاً دیکتاتوری فرا خوانده اند. سیاستی که هنگام قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ بر علیه رژیم سلطنتی در پیش گرفته بودند. در آن هنگام جریاناتی نظیر نهضت آزادی اصرار داشتند تخت و تاج شاهنشاهی برای شاه باقی بماند و در عوض دولتی درچارچوب نظام سلطنتی نظیرسیستم حکومتی اسپانیا توسط مخالفین شاه تشکیل شود.

جریان ملی - مذهبی ها و طرفدارانشان اکنون به خاطر ندادن «بهانه به دست سرکوبگران» از مردم می خواهند تا تسلیم سرمداران رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران شوند. بدون شک این تقاضای آنان از جانب مردم ایران به هیچ گرفته خواهد شد، چراکه مبارزات مردم ایران از جنبه قانونی و از منظر سیاسی مورد قبول تمام آزادیخواهان و به لحاظ حقوقی غیرقابل انکار است. درحالیکه رژیم جمهوری اسلامی ایران از لحاظ سیاسی، مذهبی، بین المللی و اخلاقی کاملاً فاقد صلاحیت و مشروعیت است. ازاینرو ملی - مذهبی ها بیهوده مردم را به آرامش دعوت می کنند و برای طبقه حاکم ایران دلسوزی می کنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران یک رژیم دیکتاتوری است و در مسیر تحولات اجتماعی محکوم به فنا و سرنگونی است. آنها که به مصالحه با رژیم حاکم دل بسته اند، مطمئن باشند هیچ نسخه حکیمانه ای نمی تواند رژیم جمهوری اسلامی ایران را از سقوط حتمی نجات دهد. بهتراست این قبیل جریانات با مردم و مبارزات دلیرانه آنها همسو و هم جهت باشند و به جای کمک به بقاء رژیم، در براندازی آن شرکت کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۹ دی ۱۳۸۸ - ۹ ژانویه ۲۰۱۰